

بسم الله الرحمن الرحيم

بیان حدیثی از امام صادق(ع) درباره مسئولیت خطیر روحانیت در این برهه از زمان[1]

می خواهم امروز حدیثی را بخوانم؛ بر حسب آنچه که از کتاب وسائل الشیعه ج 17 ص 193 از کتاب امالی شیخ صدوق نقل شده می خوانم روایت این است که «و [محمد بن علی بن الحسین] فی الأمالی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ [که محمد بن حسن احمد بن ولید است] عَنْ الصَّفَّارِ [محمد بن حسن صفار] عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانٍ [که از اصحاب اجماع است] عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (ع) يَقُولُ مَنْ تَوَلَّى أَمْرًا مِنْ أُمُورِ النَّاسِ فَعَدَلَ وَفَتَحَ بَابَهُ وَرَفَعَ سِتْرَهُ وَنَظَرَ فِي أُمُورِ النَّاسِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُؤْمِنَ رَوْعَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ».

روایت بسیار پر مطلب است و آن نکته مهمی که از این روایت استفاده می شود این است که حضرت می فرمایند کسی که متولی امری از امور مردم بشود «امرا من امور الناس» که این اطلاق دارد از کسی که یک مجموعه کوچکی را مدیریت می کند مسائل مردم را در آن مجموعه حل می کند تا برسد به یک مدیریت کلان و مدیریت مهم که عبارت از حکومت بر جامعه باشد «فعدل» در این دایره مدیریت در این دایره مدیریت عدالت را محور کار خودش قرار بدهد «و فتح بابه» باب خودش را به روی مردم باز کند «و رفع ستیره» بین خودش و مردم حجابی قرار ندهد «و نظر فی امور الناس» در امور مردم نظر کند و ببیند کجا باید مشکل کسی، به چه وسیله ای، در هر امری، این روایت اطلاقش همه امور است اعم از امور دنیوی و اخروی مردم و مسائل معیشتی مردم و مسائل امنیتی مردم و مسائل اجتماعی اخلاقی و تربیتی همه اینها را این روایت شامل می شود.

می فرماید کسی که عهده دار این مطلب بشود «كان حقا على الله» یکی از حقوقی که این شخص بر خدا پیدا می کند این است که خدا او را از ترس روز قیامت مصون می دارد و دیگر روز قیامت از آن غوغای در محشر و آن حساب و کتاب عظیم و شدید و غلاظ این شخص ایمن می ماند «و یدخله الجنة» یعنی این شخص را خدا به آسانی او را وارد بهشت می کند

این روایت را بیان کردم برای اینکه اساس کار روحانیت از ابتدا بر همین بوده اساس تشکیل حوزه های علمیه بر همین است که انسان دنبال فهم دین و فهم احکام خدا و فهم کتاب خدا باشد تا اینکه بتواند در اجتماع و در میان مردم حضور پیدا بکند و هر کسی به اندازه وجودی خودش در گوشه ای از این جامعه مشغول باشد و با مردم مرتبط باشد کناره گیری روحانیت از جامعه یک امری صد درصد بر خلاف متون دینی ماست و عدم اعتنا به آنچه که در جامعه چه می گذرد چه مشکلاتی وجود دارد و مردم چه توقعاتی دارند چه انتظاراتی دارند اینها اگر واقعا بخواهد این مشی را داشته باشد این صحیح نیست و بر خلاف متون دینی ماست خوب به برکت این حوزه مقدسه ما این انقلاب عظیم بوجود آمد و از همین متون دینی احساس تکلیف برای بزرگان برای روحانیت و برای امام(ره) بوجود آمد و این انقلاب محقق شد.

امروز هیچ کسی تردید ندارد که انقلاب اسلامی محصول حوزه های علمیه است و انقلاب محصول دین هست و آن گروهی که در درجه اول باید انقلاب را به تمام شئون مراقبت بکند و حمایت بکند و هدایت بکند در آنجایی که ضعفی می بیند فریاد بزند روحانیت است باید تمام شئون این انقلاب را روحانیت با قوت ادامه بدهد و دنبال بکند و ببیند نیازهای این انقلاب چیست و

ببیند توطئه ها و تهدید هایی که نسبت به این انقلاب است چیست؟

خلاصه مطلب این است که امروز توجه به حراست از انقلاب برای روحانیت اوجب از گذشته است؛ از آن زمانی که تازه بوجود آمده بود و اوائل کار بود، امروز چون توطئه ها، تهدید ها و نقشه ها و این همه ماهواره ها و این همه سایت ها و تلویزیون های عجیب و غریبی که هر روز دارند ایجاد می شوند فقط برای از بین بردن عقائد مردم و از بین بردن حس سیاسی مردم؛ خوب روحانیت واقعا وظیفه دارد و باید حراست کند.

[1]. چهارشنبه 21/مهرماه 1389/7 درس چهاردهم خارج اصول